

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کمیته تدارک برای تشکیل اتحادیه دانشجویان ایرانی در سویدن
بازتایپ و ارسال: آرمان
۱۲ اپریل ۲۰۲۱

در باره برخی از مسائل انقلاب دموکراتیک

بخش دوم

دموکراسی بورژوائی حاصل نفی استبداد فئودالی است. او به طور صوری حق مساوی همه انسان ها در تعیین امور حکومت را به رسمیت می شناسد و آزادی های لازم برای اعمال این حق را آنجا که منافعتش اقتضاء کند مراعات می نماید. دموکراسی بورژوائی معهذاً یکی از انواع دموکراسی ناقص است. به این معنی که به هر حال حکومت اقلیت بر اکثریت است. دولت بورژوائی دستگاه حاکمیت یک مشت آدم ثروتمند علیه میلیون ها انسان زحمتکش است (۱۲). تساوی حقوق را به رسمیت می شناسد، ولی در آن عملاً عده معدودی از حقوق والا تر و اکثریت عظیم مردم از حقوق کمتر برخوردار اند و یا مسلوب الحقوق اند. دموکراسی بورژوائی متکی بر استثمار اکثریت توسط اقلیت و وسیله سیاسی حفظ این استثمار است. متکی بر ارتش، دستگاه پولیس و بوروکراسی، یعنی بر سازمان هایی است که اصل حق مردم را در تعیین نظام سیاسی و اداره دولت پایمال می کنند، " عزل ناپذیر اند، دارای حقوق ممتازند و بر مردم سلطه خود را تحمیل می کنند " (۱۳). " دموکراسی اقلیتی ناپذیر و دموکراسی ثروتمندان است. (۱۴) قانون اساسی آن ضامن حفظ مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و تخصیص فردی ارزش اضافی است. هر حرکتی را که در جهت سلب این برتری ها باشد، ممنوع می کند. پارلمانش در واقع شورای سرمایه داران است. حق انتخابات آن چیزی نیست جز این که استثمارشوندگان می توانند هر چند گاه یک بار تصمیم بگیرند که کدام یک از نمایندگان طبقه استثمارگر باید در مجلس حقوق آنها را پایمال کند. (۱۵) دموکراسی بورژوائی حتی در کامل ترین و مترقی ترین شکل خود که جمهوری پارلمانی دموکراتیک باشد، باز چیزی نیست و نمی تواند باشد، جز دستگاه سرکوبی زحمتکشان توسط سرمایه و وسیله اعمال قدرت سیاسی سرمایه. (۱۶) به اکثریت قول تحصیل قدرت را می دهد، ولی موقعی که مبتنی بر مالکیت خصوصی زمین و دیگر وسایل تولید است، هیچ گاه قادر به تحقق این وعده نخواهد بود. (۱۷) دموکراسی بورژوائی محدود، مزور، مغلوب و مغلول است. دموکراسی ثروتمندان و فریب فقیران است. (۱۸) بورژوازی به خاطر اتکائی که به استثمار، برتری و امتیاز دارد، اصولاً معتقد به دموکراسی نیست. علاقه او به دموکراسی دارای محدودیت تاریخی است. یعنی تنها در رابطه با مبارزه این طبقه با استبداد فئودالی توجیه پذیر و قابل وقوع است. آنجا که بورژوازی خود به حکومت رسیده است، دیگر دلیل چندان برای علاقه مندی به دموکراسی ندارد. اغلب به دلیل

مبارزات دموکراتیک طبقه کارگر و ملاحظات تاریخی و سیاسی داخلی و جهانی است که تن به مراعات بعضی از آزادی های دموکراتیک می دهد، ولی هر جا که حیاتش در خطر افتد و یا به هر دلیل دیگری منافعش اقتضاء کند، این ملاحظات را کنار می گذارد و یک سره بر دموکراسی خط بطلان می کشد.

شکل دولت دموکراتیک بورژوائی در بهترین حالت آن جمهوری پارلمانی دموکراتیک است. در انگلیس و در بعضی کشور های دیگر شکل سلطنت مشروطه پارلمانی را دارد. دولت بورژوائی هر جا که در خطر افتد و یا منافعش اقتضاء کند کاملاً پرده از قیافه دموکراتیک خود برمی دارد و به سیمای فاشیسم در می آید. دیکتاتوری بورژوائی می تواند دولت تمام اقشار بورژوائی و یا دولت بعضی از آنها و یا دولتی باشد که بین فئودال ها و بورژوا ها و پرولتاریا نوسان می کند (۱۹). دیکتاتوری پرولتاریا محصول انقلاب سوسیالیستی و عالی ترین شکل دولت دموکراتیک به معنای کامل کلمه است. دموکراتیک کامل است به این دلیل که مبین اراده اکثریت مردم، پرولتاریای شهری و روستائی است. ولی در عین حال دیکتاتوری است به این معنی که اقلیت، یعنی بورژوازی را از شرکت در اداره امور دولت مانع می شود. دموکراسی برای اکثریت عظیم خلق و سرکوبگر استثمارکنندگان و سرکوبگران خلق است. (۲۰) دیکتاتوری پرولتاریا به این خاطر که مثل هر دیکتاتوری دیگری حاصل سرکوبی قهرآمیز مقاومت طبقه ای است که قدرت خود را از دست می دهد، شبیه دیکتاتوری طبقات دیگر است. فرق اساسی دیکتاتوری پرولتاریا با دیکتاتوری طبقات دیگر، دیکتاتوری اربابان قرون وسطائی و بورژوا های همه کشور های متمدن در این است که دیکتاتوری ارباب ها و بورژوازی سرکوبی قهر آمیز مقاومت اکثریت وسیع مردم، یعنی زحمتکشان است. در حالی که دیکتاتوری پرولتاریا قمع اقلیت نامقدار مردم، اقلیت، ارباب ها و سرمایه داران است. (۲۱) دیکتاتوری پرولتاریا وسیله اعمال استثمار نیست، بلکه وسیله پایان دادن آن است. راه خاتمه بخشیدن به اختلافات طبقاتی و اصولاً تمام آن روابط تولیدی است که موجب اختلافات طبقاتی اند. وسیله لغو همه آن روابط اجتماعی است که از این مناسبات تولیدی منشاء می گیرند و عامل دگرگون سازی آن اندیشه هائی است که زائیده این روابط اجتماعی هستند. (۲۲)

دیکتاتوری پرولتاریا به علت این که حکومت اکثریت است، دیگر دولت به معنای دقیق کلمه به معنی سرکوبی اکثریت نیست و به این علت که خالی از محتوای استثمار است، یعنی وسیله اعمال استثمار نیست و ابزار انهدام شرایط استثمار است و این کار را به طور عمده از طریق عمومی کردن وسائل تولید و شرکت دادن خلق در اداره دولت انجام می دهند، دولتی است در حال مرگ، دولتی است در پروسه احتضار. (۲۳) دموکراسی پرولتاریائی از آن رو که دولت اکثریت است، کامل ترین انواع دموکراسی است و از آن رو که دولتی می ریزد، وسیله مرگ دموکراسی به مثابه حکومت است. (۲۴) دموکراسی به هر جهت حکومتی است طبقاتی. دموکراسی پرولتاریائی وسیله مرگ طبقات است. با مرگ طبقات دولت و حاکمیت هم از بین می رود. دیگر طبقه ای برای سرکوب کردن وجود نخواهد داشت. (۲۵) آنچه می ماند، شرکت آزاد و مساوی همه افراد جامعه در اداره امور جامعه است. حکومت بر افراد جای خود را به اداره های امور و رهبری پروسه های تولیدی می دهد. (۲۶) دیکتاتوری پرولتاریا مرحله گذار از کاپیتالیسم به کمونیسم، مرحله گذار از دولت بورژوائی به مرحله انهدام تمام نظامات اجتماعی متکی به دولت است. (۲۷)

گاهی بین مرحله دموکراسی بورژوائی و دموکراسی پرولتاریائی دیکتاتوری دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان قرار می گیرد. در باره این نوع دموکراسی در صفحات بعد این مقاله شرح مفصل داده خواهد شد. در این جا همین قدر اشاره کافی است که این حکومت با این که از لحاظ اقتصادی صاحب خصلت بورژوائی است، می تواند تحت سیادت سیاسی پرولتاریا قرار بگیرد و به این معنی برای تسریع ایجاد دموکراسی پرولتاریائی اقدام کند.